

مریم یایزی

نویسنده

مریم پاک‌نهاد

سرشناسه	پاک‌نهاد، مریم -
عنوان و پدیدآور	مریم پاییزی / نویسنده مریم پاک‌نهاد.
مشخصات نشر	تهران: یکان، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	۱۵۰ ص.
شابک	۱۸۰۰۰ ریال 964-8870-23-3
یادداشت	فیفا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴.
رده‌بندی کنگره	۱۳۸۵ م ۷۷۵۶ الف / PIR۷۹۸۱
رده‌بندی دیویی	۸۶۱/۶۲
شماره کتابخانه ملی	۳۱۵۰۵-۸۵ م

مریم پاییزی

نویسنده: مریم پاک‌نهاد

چاپ اول: زمستان ۸۵

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپخانه: پدیده گوتنبرگ

قیمت: ۱۸۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴-۸۸۷۰-۲۳-۳

ISBN: 964-8870-23-3

در این کتاب....

۱۱	من گل پاییزی‌ام، اما زمستان آمدم	مریم پاییزی‌ام من
۱۳	هر الف یادآور آزادی است	الفبای زندگی
۱۷	دیشب به خواب رفتم، در عالم خیالم	خواب سبز
۱۹	وقتی خوب فکر می‌کنم به زندگی	قصه‌ی عشق چه کم‌رنگ شده
۲۱	باغبان در بازکن، آهسته بر در می‌زنم	باغبان
۲۳	خدا یک ارمغان داد از برایم	تک ستاره زندگی
۲۵	قطار زندگی در حال حرکت	قطار زندگی
۲۸	بانوی دو عالم، آن دخت پیمبر	بانوی دو عالم
۳۰	تو ای نامادری، من دختری پنج ساله بودم	نامادری
۳۲	هرکسی در زندگی روی نقابش چهره زیبا می‌کند	نقاب
۳۴	نفرین به تو و اسم تو و رنگ سیاهت	طلاق
۳۶	باز از دست همه خسته شدم	خران عمر

۳۸	وای بر من که دلم خانه‌ی درد است خدا	معبود من
۴۰	گر تو روی ز خانه	فراموشم مکن
۴۲	مادرم زیباترین‌ها نام توست	مادر
۴۴	باز از مصلحت کار خدا	راز و نیاز با خدا
۴۶	برای آخرین بار خدا کنه بیایی	برای آخرین بار
۴۸	تو رفتی از کنارم وای بر من	نفرین به تو بیماری
۵۰	عجب، نقاشی نقص خداوند	بهترین نقاش
۵۲	لبانت با لبم صد ناز دارد	نگاه
۵۴	بار سفر بیستم، تا پاسخی بگیرم	عشق چیست؟
۵۷	در شبی تاریک دیدم گریه‌های شمع را	شمع و گل و پروانه
۵۹	پدر امشب دلم دنیای درد	عروسی خانمان سوز
۶۱	پدرم نیمه‌ی عمر تو گذشت	پدر
۶۳	تو آمدی سوی خدا	حاجی مردم‌نما
۶۵	گذر کردم شبی از قصر شاهی	پروانه و مینا
۶۸	زندگی کردن من تنهایست	تنهایی
۷۰	دلم می‌خواد بازم به قم برگردم	دوری از یار
۷۲	وقتی آمدم به تهرون	تهرون
۷۴	با ما به از آن باش که با خلق جهانی	قلب یخی
۷۶	سیمین منی، پاک‌تنی، آب زلالی	حوری صفتی
۷۸	گفت: این‌گونه برایم مرد پیر	نفس‌آمزه
۸۰	چرا پیشم نمی‌آیی تو ای آرام‌جانم	کجایی عشق من
۸۲	ای شاه عرب، ماه قمر، در عربستان	ای ماه قمر

۸۴	تو خورشید منی	تو مرجان منی، سرشار عشقی
۸۶	یاد جوانی	وقتی یاد جوونی می‌کنم
۸۸	ای هم نفسم	دانی که دلم چه از خدا می‌خواهد
۹۰	مرگ عاطفه‌ها	دلم تنگ از این دنیای فانی
۹۲	همه شعر و غزلیم برای توست	هنوزم برای تو شعرهای رنگی می‌خونم
۹۴	خیمه‌گاه ارک	یا حسینم شب هفت تو، منم خاک شدم
۹۶	یک شب سرد زمستون	یک شب سرد زمستون
۹۸	همسری پاک و نیکو	پاکی جان و دلت، روشن‌تر از آینه است
۱۰۰	جدایی	جدایی درد بی‌درمان عشق است
۱۰۱	زندگی	زندگی معنای عشق و دوستی است
۱۰۳	شیراز	هزار فرسخ و راه آمدم من
۱۰۵	سجاده عشق	نشستم بر سر سجاده عشق
۱۰۷	نیلوفر	روزی که محبوبه آورد به دنیا دختر
۱۰۹	کاش	کاش دردی در دل دنیا نبود
۱۱۱	حکایت از دل پر درد مردی	بگفتی رازها دارم در این دل
۱۱۳	شب یلدا	درازا شب بود امشب خدایا
۱۱۵	فرشته	فرشته، ای ملائک آسمانی
۱۱۷	پول	برو ای کاغذ رنگی
۱۱۹	دل آرامم	دل آرامم تویی محبوبه من
۱۲۱	نمکی	نمکی تو هم دل خونی داری
۱۲۳	در پشت اتاقی سرد	در پشت اتاقی سرد، بی‌رنگ نگاه من
۱۲۵	خیانت در رفاقت	تنها، توی خلوت، تو اتاقم می‌نشینم

۱۲۷	نم‌نم بارون، هوای ابری، عشق‌های پوچ کاغذی	عشق‌های پوچ کاغذی
۱۲۹	در وقت سحرگاهان من راز دلی دارم	ای بی‌خبر از این دل
۱۳۱	تو در نامردی و مردی کدامی	ببر خزان
۱۳۳	محمد عشق، ای راز و ستایش	عشق بی‌پایان مریم
۱۳۵	در این دنیای خوش رنگ و خوش آواز	اعتیاد
۱۳۷	چه آمد بر سرت ای مرد قهار	پدر بزرگ
۱۳۹	خوش به حال تو نسیم، که چه آرام، ز دریاگذری	خوش به حال تو
۱۴۱	در میان ظلمت شب چلچراغی آشنا	شهر عشق و عاشقی
۱۴۳	برایت نامه‌ای دادم، هر چند می‌دانم، نمی‌خوانی	مهر دروغین
۱۴۵	خداوند! مرا چون آفریدی	دختر زیبا
۱۴۷	هر زندگی کتابی است، در هر وجود انسان	کتاب زندگی
۱۴۹	با دلی تنگ شدم دست به دعا	راز و نیاز

«به نام خدایی که هرگز مرا فراموش نمی‌کند»

شعر من حرف دل است و دل من با دل توست
دل کنی‌دش سروپا گوش، که حرفم غم توست
با قدم‌های آهسته و آرام و بی‌صدا در کوچه پس کوچه‌های شعر و
ادب پرسه می‌زنم و از هر شاخه‌ی آن گلی برمی‌چینم تا با آن تاج
گلی بسازم و بر گردن عاشقان شعر بیندازم.
شعر را باید در آغوش کشید و لمس کرد باید با آن زندگی کرد، باید
آن را بوسید و گاهی خود را در دریای بی‌کران شعر غوطه‌ور کرد تا
لحظه‌ای از این دنیای وانفسار رهایی یابیم.
با زبان شعر می‌توان هزاران گفته را در یک بیت خلاصه کرد و به
جای مقاله‌ای طولانی به یک مصرع هم قناعت کرد، چون سخنی که
از دل برخیزد بر دل دیگران چون نوری بتابد.
مریم پاییزی از زمان کودکی در بین بازی و دنیای بزرگ‌ترها گاهی
اشعاری را خلق کرده که با خواندن آن گاهی خنده و گاهی اشک را
بر دیدگان شما نمایان می‌کند.

مریم پاییزی تاکنون اشعار زیادی را سروده است که این کتاب برگزیده‌ای از آن اشعار است که از شما خواننده‌ی عزیز می‌خواهم که اشعار را با دل خود لمس کنید و با دیده دل بخوانید که تمام این اشعار برخاسته از دست خزانی است که هرچه تلاش کرده‌ام دست‌تنها نتوانستم آن را بهاری کنم و در دل، این امید را دارم که بعد از کتاب مریم پاییزی بتوانیم با کمک یک دیگر زردی پاییز را به سبزی بهار مبدل کنیم. به امید آن روز.

«مریم پاییزی»